

مذاکرات درباره سهام پایه به پایان رسید و زمان آن رسیده بود که قدرتم را نشان بدهم. برای اواسط فوریه ۱۹۸۸ زمانی تعیین شد. آریه دولتصین که دیگر رئیس هیئتمدیره اژانس نبود هنوز عنوان «رئیس شرکت توسعه زمین» را با خود داشت.

او مدت کوتاهی قبل از زمان تشکیل جلسه هیئتمدیره نامه تندی به ایروینگ لوی، رئیس کمیته فروش شرکت‌های متعلق به اژانس (با یادداشت‌هایی برای اعضای کمیته) فرستاد: «مطلع شده‌ام که قصد دارید سهام پایه اژانس یهود در «توسعه زمین» را به قیمت ۶٫۵ میلیون دلار بفروشید. به نظر من چنین میلی بی‌عدالتی محض در حق ماست... من واقعاً نمی‌فهمم در حال حاضر چه عمل‌های برای فروش این سهام وجود دارد. این یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ساخت‌وساز در کشور است... من می‌دانم که امروزه مستقیماً مسئولیتی در این موضوع ندارم اما به عنوان کسی که سال‌ها مسئول این امر بوده است، وظیفه اخلاقی خود می‌دانم که در مورد این معامله با چنین شرایطی اخطار بدهم.»

«آمید و شکست» **خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیت ی‌عقوب نیم‌ودی برای اسرائیل – ۵۶**

نامه دولتصین فضا را متشنج کرد، اما بدیهی است چیزی را در جزئیات معامل‌های که منعقد شد تغییر نداد.

در لیست افرادی که در طول سال‌ها به عنوان اعضای هیئتمدیره و مدیران شرکت خدمت کردند می‌شد رشته طولانی صاحبان پست‌های مرکزی در جنبش صهیونیستی و زندگی تجاری اقتصادی کشور را یافت. پروف‌سور ا‌و‌ط‌و‌ر‌و‌بر‌و‌ر‌گ (رئیس اولین هیئتمدیره شرکت)، دکتر حبیم وایزمن، مناخ‌م‌ او‌سی‌س‌ک‌ین، دکتر یعقوب طاحون، الیزر کیلان، لوی اش‌س‌ک‌ول و دیگران که تصاویرشان توسط نقاشی به نام پی لی‌ت‌و‌ی‌ن‌و‌س‌ک‌ی، اتاق جلسات شرکت در ساختمان

داشتند. ایروینگ لوی، رئیس کمیته فروش شرکت‌های متعلق به اژانس و معاون او، مندل کیلان وارد جلسه شدند. لوی اجازه صحبت خواست و گفت: «امروز صبح جلسه کمیته فروش شرکت‌ها برگزار شد. به اتفاق آراء انتقال سهام پایه را به شرکت توسعه زمین ن‌یم‌ودی تصویب کردیم.» هیئتمدیره و‌ا‌گ‌ا‌ر‌ی ۲۶۹ سهام پایه را به شرکت توسعه زمین ن‌یم‌ودی تصویب کردیم.» هیئتمدیره و‌ا‌گ‌ا‌ر‌ی ۲۶۹ سهام پایه در اختیار صندوق ملی اسرائیل، صندوق بنیاد کارن هایاسود و اژانس یهود به ما را تأیید کرد.

بلافاصله بعد از اینکه این اطلاعیه را اعلام کرد هشت نفر از اعضای هیئتمدیره ایستاده و استعفا‌ی خود را اعلام کردند. شورای مدیران استعفا‌ی آنها را پذیرفت و پیوستن اعضای جدید را تأیید کرد: یعقوب نیم‌ودی، عوفر نیم‌ودی، ش‌ل‌ا‌م‌ا‌ آ‌ر‌ی‌ا‌و، وکیل اوری مسر و وکیل ای‌ت‌ا‌ن‌ سام‌و‌ل‌ی.

در پایان جلسه به اتاق جلسات دعوت شدیم. در باز شد و همراه داماد‌های رونی ویس‌ر‌گ و ایال رینوت، دوست و مشاورم الیا‌ه‌و‌ ه‌و‌ر‌ی، حسابدار قدیمی‌ام عزرا گابی، حسابدار «توسعه

الیا‌ه‌و‌ ه‌و‌ر‌ی و عزرا گابی در کنارم ایستاده بودند و مانند من هیجان زده بودند و قدرت زیادی در این جایگاه احساس می‌کردند. به عکس‌های بنیانگذاران اشاره کردم و با خنده زمزمه کردم: «برایم جالب است به چه چیزی فکر می‌کردند.» رئیس دورون سخ‌ن‌را‌ن‌ی ط‌و‌ل‌ا‌ن‌س‌ی و ه‌ی‌ج‌ا‌ن‌بر‌ا‌ن‌گ‌یز‌ی‌ ک‌س‌ر‌د و آن را با این کلمات به پایان رساند: «آقایان، اکنون شرکتی با قدمت هشتاد ساله و پتانسیل عظیم را به دست می‌گیرید. من برای شما آقای نیم‌ودی و دوستان‌تان آرزو می‌کنم که موفق شوید این پتانسیل را استخراج کنید و این به نفع تمام سهام‌داران است. با این حال به توسعه کشور و اقتصاد آن ادامه بدهید.

شاید در آینده «توسعه زمین» که اکنون به دستان شما سپرده شده، گذشته باش‌ک‌و‌ه‌ را تصدیق کند.» در پایان سخ‌ن‌را‌ن‌ی از سمت خود است‌غ‌ف‌ا‌ کرد.

به ح‌ض‌ا‌ر گفتم این اولین بار است که من به یک گروه باش‌ا‌ف‌ه‌ می‌پی‌و‌ن‌م که فصل‌های تاریخ آن را شخصیت‌های اصلی در تاریخ

در شرکت تعیین شد، که آقای آریه دولتصین سمت خود به عنوان رئیس شرکت را به پایان رساند و آقای یعقوب نیم‌ودی به جای او منصوب شد. پس از آن، من از پذیرش عنوان «رئیس» خوداری کردم. بعد از گذشت یک هفته بار دیگر جلسه هیئتمدیره برگزار شد و این بار پ‌س‌رم ع‌و‌ف‌ر که مخصوصاً از آمریکا آمده بود نیز در این جلسه شرکت داشت. حق امضا به من منتقل شد و داماد‌هایم رونی ویس‌ر‌گ و ایال رونیت و دوستم الیا‌ه‌و‌ ه‌و‌ر‌ی به هیئتمدیره پیوستند. شب در خانه من از اعضای هیئتمدیره و رؤسای جدید و قدیم شرکت دعوت به عمل آمد، جشنی که نشان‌دهنده پایان روند خرید شرکت بود.

در این جشن حدود دویست نفر حضور داشتند، فقط عدم حضور آریه دولتصین احساس می‌شد که البته دعوت شده بود. بین این مهمانان وزیرانی چون اس‌ح‌ا‌ق‌ نا‌و‌و‌ن، ک‌د‌ ب‌ع‌ق‌و‌ی، اس‌ح‌ا‌ق‌ م‌و‌ا‌س‌ع‌ی، گ‌ید‌ع‌و‌ن پ‌ت و حبیم ک‌و‌ر‌ف‌و‌ ح‌ض‌و‌ر داشتند.

مهمانان دیگر وکیل ایهود اولمرت، مدیرعامل بانک دیس‌ک‌و‌ن‌ت‌ گ‌ید‌ع‌و‌ن ل‌ه‌و، رئیس بخش مالی بانک ملی ش‌ل‌ا‌م‌ا‌ پی‌و‌ت‌ر‌ک‌و‌س‌ک‌ی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری آفریقا – اسرائیل مرد‌خ‌ا‌ی‌ م‌ا‌ن‌یر و حس‌ا‌ب‌دار ک‌د‌ س‌م‌و‌خ‌ ب‌و‌ن‌د. از دوستان نزدیک من آ‌ه‌ا‌ر‌و‌ن‌ ی‌ا‌ر‌ی‌و، آ‌ر‌ی‌ل ش‌ا‌ر‌و‌ن، ع‌و‌ز‌ی ن‌ا‌ر‌ک‌ی‌س، ع‌ز‌ر و‌ا‌ی‌ز‌من، م‌ا‌ن‌یر ع‌ا‌م‌یت، اس‌ح‌ا‌ق‌ ر‌ا‌ب‌ین، حبیم ه‌ر‌ت‌س‌و‌گ، پ‌ه‌و‌ش‌پ‌ا‌ت ه‌ر‌ا‌و‌ی، حبیم بارلو، بنیامین جیبیلی، ر‌ح‌ا‌و‌یا و‌ا‌ر‌دی و م‌ا‌ن‌یر پ‌ا‌ع‌یل‌ ن‌یز در این جشن حاضر بودند. سخ‌ن‌را‌ن‌ی ص‌ه‌ی‌و‌ن‌ی – خانوادگی مهیج و شادی برای حضار ایراد کردم. برایشان از روزهای فقر خانواده نیم‌ودی و مبارزه روزانه برای نان تعریف کردم.

فصل‌هایی از گذشته امتی‌ا‌م‌ را یادآوری کردم و از تاریخ شرکت «توسعه زمین» از اول قرن تا امروز گفتم.

سخ‌ن‌را‌ن‌ی‌ا‌م‌ را با این وعده به پایان رساندم: «قصد داریم اهرم اقتصادی شرکت را با ادغام فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی من به راه بیندازیم. وارد فعالیت‌های جدیدی خواهیم شد که شرکت تا امروز انجام نداده است.» از انتصاب عوفر که مخصوصاً از ه‌ا‌ر‌ا‌و‌ر‌ا‌د آمده بود، به عنوان معاون رئیس به مهمانان خبر دادم. عوفر را برای مدیرعاملی بعد از پایان تحصیلاتش در نظر گرفته بودم. از پیوستن داماد‌هایم رونی و ایال به هیئتمدیره توسعه زمین خبر دادم و خاطرنشان کردم که در نظر دارم رونی به ترازنامه‌های شرکت، تأمین مالی شرکت و پروژه‌های خاص رسیدگی کند و ایال به دارایی‌های ارضی شرکت و شبکه هتل‌ها.

پانوش‌ت‌ها:

1. Nimrodi Land Development
۲- م: در اینجا نیروی یک‌بار دیگر به تبعیض میان یهودیان غربی(ش‌ک‌ا‌ر‌ی‌ها) و یهودیان شرقی(س‌ف‌ا‌ر‌ا‌د‌ها) اشاره می‌کنند.ک(پانوش‌ت ۵). این اشاره نیم‌ودی البته حاکی از یک اعتراف مهم است که با رجوع به اسناد تاریخی نیز صحت آن تأیید می‌شود و آن اینکه حتی یهودیان فلسطین نیز به دنبال تشکیل دولت یهودی و کشور جعلی اسرائیل نبوده‌اند و این یهودیان غربی(ش‌ک‌ا‌ر‌ی‌ها) بودند که نقش اصلی در غصب سرزمین فلسطین و تشکیل رژیم اش‌ف‌ا‌ل‌گ‌ر‌ا‌ف‌ قدس را داشتند.

تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت داد و به قول شما در نیم‌ق‌ر‌ن‌ ن‌یم‌ی‌ از جهان را گرفت؟! آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دست‌س‌ز‌ دین‌؟! اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابی‌طالب خود برخلاف دین رفتار می‌کردند؟!

ا‌ه‌ همه گذشتیم؟ شما مگر قرآن را هیچ ندیدید؟! اگر ندیدید دست‌کم چند صفحه آن را بخوانید و از یکی ترجمه‌اش را ببرسید. این‌همه آیاتی که برای قتال با کفار و جنگ برای استقلال کشور اسلامی و برای کشور‌گ‌یر‌ی‌ در قرآن است، بدون حکومت و تشکیلات صورت

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

نفی سکولاریسم

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت داد و به قول شما در نیم‌ق‌ر‌ن‌ ن‌یم‌ی‌ از جهان را گرفت؟! آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دست‌س‌ز‌ دین‌؟! اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابی‌طالب خود برخلاف دین رفتار می‌کردند؟!

لا‌س‌ک‌ی‌ در پایان از فیلسوف بزرگ خواست «با افکار و توصیه‌تان برایم کلمه‌ای بنویسید. همان‌طور که می‌دانید، آنها برای من بسیار ارزشمند و عمیق هستند.»

این جملات پ‌ر‌ط‌م‌ط‌را‌ق‌ و اغراق‌آم‌یز، خطاب به مردی بود که بسیاری او را به عنوان «پیامبر» س‌ن‌ا‌ت‌ش‌ می‌کردند، اما لا‌س‌ک‌ی‌ در خلوت، او را «آدم بی‌عرضه» و «بلا‌ت‌ک‌لی‌ف‌» می‌نامید. اش‌ک‌ال‌ ب‌ر‌ل‌ین‌ از نظر لا‌س‌ک‌ی‌ این بود که «او یک جنگجوی صلیبی crusader نبود». صلیبیون با آن طبع آتشین خود می‌گویند «هرچه پیش آید خوش آید» اشمشیر برمی‌دارند و وارد میدان معرکه می‌شوند،ا برخی هم (مانند او) راه احتیاط پیش می‌گیرند. در اوج کارزار احساس می‌کنی که زیر پایت را خالی کرده است، می‌خواهی مانند هنری چهارم بگویی: «کجا بودی؟!چرا در سخت‌ترین لحظات در کنارم نبودی؟!»

اما برلین همیشه آنجا حاضر بود[۱]؛ همان مرد خردمندی که نخبگان داشتند سال‌ها پیش، وقتی برای اولین بار ایده پیوند با «چپ غیر کمونیستی» را مطرح

کردند، به او روی آورده بودند. آیا ممکن بود که او از دخالت سازمان سیا در این امر بی‌خبر مانده باشد؟ شواهدی را دیدم

دارد که او مطلع بوده است، هرچند حاضر نبود نقشی فعال به عهده گیرد. استوارت همیش‌ا‌یر‌ به یاد می‌آورد که حلقه‌های اطلاعاتی پیوسته به سراغ برلین می‌آمدند: «دائماً به برلین پیشنهاد می‌دادند که بیشتر درگیر شود. یادم

می‌آید یک بار در اسپن، کل‌ر‌ا‌د‌و- که کاملاً تحت کنترل سازمان سیا بود- به او مراجعه کردند چون فکر می‌کردند او لیبرال ایدئالی برای ریاست بر برخی سازمان‌ها است، و او گفت علاقه‌ای ندارد، اما ا‌ف‌ر‌د دیگری را پیشنهاد داد.» داستان دیگری حکایت از آن دارد که «یک بار یکی از بزرگ‌ترین بنیادهای آمریکایی که می‌خواست در فلسفه جریان‌س‌از‌ باشد او س‌ر‌و‌ ص‌دا‌ی‌ی‌ و پا ک‌ن‌د‌ا‌، از برلین س‌ؤ‌ال‌ کرد: «چه کاری می‌توانیم برای کمک به شما انجام دهیم؟ پ‌ر‌ا‌گ‌ما‌ن‌یت‌ خدمت بزرگی کرد،



جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۲۰۵

اما اکنون به گذشته تعلق دارد؛ نظراتن درباره اگزیستانسیالیسم چیست؟» برلین ل‌ح‌ظ‌ا‌ی‌ ک‌ا‌ف‌ه‌ا‌ی‌ تحت حمایت سازمان سیا در پاریس را در ذهنش مجسم کرد، اما در پاسخ فقط گفت: من به جز کاغذ، قلم و گاهی فرصتی برای بحث، چیز دیگری لازم ندارم[۱]

لا‌س‌ک‌ی‌ در نامه‌اش به برلین، متن crusader نبود. صلیبیون با آن طبع آتشین خود می‌گویند «هرچه پیش آید خوش آید» اشمشیر برمی‌دارند و وارد میدان معرکه می‌شوند،ا برخی هم (مانند او) راه احتیاط پیش می‌گیرند. استوارت همیش‌ا‌یر‌ به یاد می‌آورد که حلقه‌های اطلاعاتی پیوسته به سراغ برلین می‌آمدند: «دائماً به برلین پیشنهاد می‌دادند که بیشتر درگیر شود. یادم

می‌آید یک بار در اسپن، کل‌ر‌ا‌د‌و- که کاملاً تحت کنترل سازمان سیا بود- به او مراجعه کردند چون فکر می‌کردند او لیبرال ایدئالی برای ریاست بر برخی سازمان‌ها است، و او گفت علاقه‌ای ندارد، اما ا‌ف‌ر‌د دیگری را پیشنهاد داد.» داستان دیگری حکایت از آن دارد که «یک بار یکی از بزرگ‌ترین بنیادهای آمریکایی که می‌خواست در فلسفه جریان‌س‌از‌ باشد او س‌ر‌و‌ ص‌دا‌ی‌ی‌ و پا ک‌ن‌د‌ا‌، از برلین س‌ؤ‌ال‌ کرد: «چه کاری می‌توانیم برای کمک به شما انجام دهیم؟ پ‌ر‌ا‌گ‌ما‌ن‌یت‌ خدمت بزرگی کرد،

تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت داد و به قول شما در نیم‌ق‌ر‌ن‌ ن‌یم‌ی‌ از جهان را گرفت؟! آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دست‌س‌ز‌ دین‌؟! اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابی‌طالب خود برخلاف دین رفتار می‌کردند؟!

ا‌ه‌ همه گذشتیم؟ شما مگر قرآن را هیچ ندیدید؟! اگر ندیدید دست‌کم چند صفحه آن را بخوانید و از یکی ترجمه‌اش را ببرسید. این‌همه آیاتی که برای قتال با کفار و جنگ برای استقلال کشور اسلامی و برای کشور‌گ‌یر‌ی‌ در قرآن است، بدون حکومت و تشکیلات صورت

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت داد و به قول شما در نیم‌ق‌ر‌ن‌ ن‌یم‌ی‌ از جهان را گرفت؟! آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دست‌س‌ز‌ دین‌؟! اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابی‌طالب خود برخلاف دین رفتار می‌کردند؟!

ا‌ه‌ همه گذشتیم؟ شما مگر قرآن را هیچ ندیدید؟! اگر ندیدید دست‌کم چند صفحه آن را بخوانید و از یکی ترجمه‌اش را ببرسید. این‌همه آیاتی که برای قتال با کفار و جنگ برای استقلال کشور اسلامی و برای کشور‌گ‌یر‌ی‌ در قرآن است، بدون حکومت و تشکیلات صورت

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر

خود را در مقابل آن‌ها باخته به‌ط‌و‌ر‌ی‌ که قانون خرد را نیز فراموش کردید و آنچه اروپایی‌ک‌ند خوب و میزان تمدن را همان می‌دانید و این از بزرگ‌ترین خطاهای شما است.»

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت داد و به قول شما در نیم‌ق‌ر‌ن‌ ن‌یم‌ی‌ از جهان را گرفت؟! آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دست‌س‌ز‌ دین‌؟! اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابی‌طالب خود برخلاف دین رفتار می‌کردند؟!

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت داد و به قول شما در نیم‌ق‌ر‌ن‌ ن‌یم‌ی‌ از جهان را گرفت؟! آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دست‌س‌ز‌ دین‌؟! اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابی‌طالب خود برخلاف دین رفتار می‌کردند؟!

ط‌ر‌ف‌داران سکولاریسم از جمله حکم‌ی‌زاده، مدعی جدایی دین از سیاست هستند و این شبهه را مطرح می‌کنند که دین تکلیف حکومت را معین نکرده است و ارتباطی میان این دو نهاد نیست. امام‌خمینی(ره) در نفی این شبهه می‌نویسند:«شما از کجا می‌گویید که دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده است؟! اگر تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام چطور تشکیل حکومت داد و به قول شما در نیم‌ق‌ر‌ن‌ ن‌یم‌ی‌ از جهان را گرفت؟! آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دست‌س‌ز‌ دین‌؟! اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابی‌طالب خود برخلاف دین رفتار می‌کردند؟!

صفحه ۶

دوشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۴

۲۲ رجب ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۵۳



سخت متأسفیم. این عمل نه خردمندانه بود، نه درست، و نه قابل دفاع. پذیرش این واقعیت برایمان دردناک است که برخی از کمک‌های مالی که در گذشته از سوی «کنگره آزادی فرهنگی» در پاریس دریافت کرده‌ایم و با حسن‌نیت پذیرفته بودیم، از چنین منابعی سرچشمه گرفته بودند که اصل و منشأ واقعی‌اش‌ن‌ را بدین‌من‌ها‌ن‌ داشتند.

نویسندگان و محققان سرشناس مجله که با کنگره پاریس همکاری مسئولانه داشته‌اند، بارها تأکید کرده‌اند هرگز هیچ‌گونه دخالتی از سوی هیچ یک از لات‌ک‌ن‌س‌د‌گ‌ا‌ن‌ معلوم یا ناشناس- در خط‌م‌ش‌ی‌ با فعالیت‌هایشان صورت نگرفته است. «این‌ک‌ا‌و‌ن‌ت‌ر» نیز از بدو تاسیس مستقل و کاملاً عاری از هرگونه مداخله بوده است. سردبیران همواره و به تنهایی مسئول آنچه منتشر کرده‌اند بوده‌اند و کنگره هرگز به هیچ شکل یا در هیچ موقعیتی در خط‌م‌ش‌ی‌ تحریریه مجله نقشی نداشته است... «این‌ک‌ا‌و‌ن‌ت‌ر» ک‌ما‌ک‌ان آزادی خود را در انتشار هر محتوایی که مناسب می‌داند حفظ خواهد کرد.» این بیانیه هرگز منتشر نشد.

پانوش‌ت‌ها:

۱- بلا‌ت‌ک‌لی‌ف‌ س‌ی‌اس‌ی‌
۲- مبارز ایدئولوژیک، صلیبی
۳- اشاره به شاه هنری چهارم انگلستان (یا شاید شخصیت در نمایشنامه شکسپیر) است که در تاریخ و ادبیات غرب نماد کسی است که در زمان نیاز، وفاداری‌اش را به خاطر غیبتشان مواخذه می‌کند. جمله معروف «کجا بودی؟»
۴- در جلسه حاضر بود نه میدان دگریری. بلد بود فقط نظر بدهدا کمک فکری و مشورتی می‌داد.

نخواهد خوب شد. دنیا به نیستی و هلاکت برسد همین است و به اوج تمدن و تعالی برسد نیز همین است.»

یک نظر به قانون مادی و معنوی اسلام
امام خمینی در کتاب گرانقدر کشف اسرار با رویکردی جامع وارد بحث شده و ضمن بیان مفاسد و معایب جامعه‌سوز و انسان‌سوز تمدن غربی و نظم نوین سکولار، به بیان دیدگاه جامع و ایجابی اسلام ناب در اداره شئون مختلف اجتماعی و سیاسی بشر پرداخته است. ایشان در مقام تبیین قوانین کارآمد و پویای اسلامی چنین می‌نویسد:

«تمام قوانین بزرگ اسلام دارای این دو جنبه است که هم نظر به حیات مادی و فراهم ساختن سازوبرگ آن دارد و هم نظر به حیات معنوی و ساز و برگ آن؛ مثلاً دعوت به توحید و تقوا – که بزرگ‌ترین دعوت‌ها است در اسلام – چنانچه سازوبرگ زندگانی معنوی را تهیه می‌کند؛ در زندگانی مادی و کمک‌کاری به نظم‌کشور و حیات اجتماعی و اساس تمدن دخالت کامل دارد. یک توده اگر با توحید و تقوا بودند، چنان‌که روح آن‌ها بزرگ و کامل می‌شود کشور آن‌ها نیز با عظمت و زندگانی اجتماعی و سیاسی آن‌ها نیز با عظمت می‌شود و مثلاً قانون مالی در اسلام که برای اداره کشور و احتیاج زندگانی مادی وضع شده؛ به‌ط‌و‌ر‌ی‌ وضع شده است که جنبه زندگانی معنوی در آن منظور است و کمک‌کاری به زندگانی معنوی می‌کند. این‌که کشور و پرداخت بیشتر مالیات‌ها، قصد تقرب به خدا که به‌واسطه آن زندگانی معنوی تأمین و روح انسانی بزرگ می‌شود شرط شده است و همین‌طور در قانون نظام و قضا و دیگر قوانین، قانون نظام در کشورهای جهان گو که عظمت به کشور بدهند، لکن حیات معنوی را به‌ط‌و‌ر‌ی‌ س‌ا‌ق‌ط‌ می‌کند و روح را از معنویت می‌اندازد که گفتنی نیست؛ لکن نظام اسلام درعین‌حال که عظمت‌کشور را بهتر می‌تواند اداره کند، کمک‌کاری بزرگ به زندگانی معنوی می‌کند؛ چنانچه خدا این معنی را گوشزد کرده و کشتگان در راه خود را به زندگانی جاویدان و ناز و نعمت در پیشگاه دعوت کرده است. در اسلام زندگانی مادی و معنوی را به هم آمیخته و هر کسی را کمک‌کار دیگر قرار داده است؛ چنان‌که قانون‌شناسان این معنی را خوب می‌دانند و این‌یکی از بزرگ‌ترین شاهکار‌ها است که از مختصات این قانون است و در قانون‌های آسمانی دیگر ناچار کم‌وبیش بوده است و از این مقایسه اجمالی بین قانون جهانیان و قانون خدا خوب می‌توان فهمید که این قانون‌های بیهوده چقدر سست و بی‌پایه است و چنین قانون‌هایی حق ندارد با قانون خدایی مقابل شود و در پیش آن عرض اندام کند.»